



مکتب آینه

دکتر غلامحسن خدایی - مدیر مسؤول

فرقی نمی‌کند که «آینه» کجا باشد، در اتاق، در کیف و جیب، اتومبیل و آرایشگاه. فرقی نمی‌کند که چه اندازه باشد، جیبی یا تاقچه‌ای یا تمام قد. مهم آن است که آینه آنچه را که «هست» نشان می‌دهد پس می‌تواند مطمئن‌ترین دوست و همدم و صادق‌ترین یار و بی‌غرض‌ترین منتقد باشد و... «آینه‌بودن» برای دیگران خوب است اما این که از دیگران بخواهیم آینه ما باشند، بسیار بهتر است. آینه‌ای دلسوز، بی‌غرض و نشان‌دهنده خوبی‌ها و بدی‌ها و زشتی‌ها و زیبایی‌های ما، تا نه دچار غرور و کبر شویم، نه اعتماد به نفس و شخصیت و هویت خویش را از دست بدهیم. در میان رابطه‌ها، شاید بهترین رابطه بین انسان‌ها، همان «آینه بودن» است. زن و شوهر نسبت به هم، دو دوست و همکار نسبت به یکدیگر، والدین و فرزندان در ارتباط با هم، مسؤولان و مدیران با زیردستان و همکاران، همه و همه اگر در مکتب «آینه» درس صدق و بی‌غرضی و واقعیت‌نمایی، حق‌گویی و صراحت را بیاموزند و به کار بندند، چه زیبا خواهد شد. اگر امام علی (علیه السلام) را «آینه خدانما» گفته‌اند، و اگر زینب کبری را «آینه علی‌نما» نامیده‌اند و اگر همه هستی را «آیه‌هایی شمرده‌اند که آن «ذات بی‌مثال» را شاهد است و نشان می‌دهد، به ما هم این درس را می‌آموزد که آینه پاکی‌ها و جلوه‌گاه صداقت‌ها و فضیلت‌ها باشیم و اگر در گفتار و کردار دیگری کژی، نادرستی و عیبی مشاهده می‌کنیم، به قصد «عیب زدایی» آن را صمیمانه و دلسوزانه تذکر دهیم و انتظار داشته باشیم دیگران که ما آینه

آنان شده‌ایم، نه تنها نرنجند، بلکه زبان سپاس بگشایند و عیب گویی ما را و نه عیب جوئی را، چون هدیه از ما بپذیرند، آن‌گونه که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: «أَحَبُّ اخْوَانِي إِلَى مَنْ أهدى إِلَي عُيُوبِي؛ (۱) محبوب‌ترین برادرانم پیش من، کسی است که عیب‌های مرا به صورت هدیه به من ارایه دهد.» و این همان آشتی با آینه است، نه شکستن آینه. و چه زیبا گفته‌اند:

آینه چون عیب تو بنمود راست
خودشکن، آینه شکستن خطاست

در توصیه‌های حضرت علی (علیه السلام) به کمیل، چنین آمده است: «الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ، لِأَنَّهُ يَتَأَمَّلُهُ فَيَصْدُقُ فَاقْتَهُ وَ يَجْمَلُ حَالَتَهُ؛ (۲) مؤمن، آینه مؤمن است، چرا که در او به دقت می‌نگرد، نیازهایش را برطرف می‌سازد و حالت او را آراسته می‌سازد.» در حدیث دیگری، امام علی (علیه السلام) فرموده است: «الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْأَخِيهِ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ أَحَبِّكُمْ هَفْوَهُ فَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ وَ كُونُوا لَهُ كَنَفْسِهِ وَ أَرَشْدُوهُ وَ انصَحُوهُ وَ تَرَفَّقُوا بِهِ؛ (۳) مؤمن، آینه برادر خویش است، پس اگر از برادران عیب و خطایی دیدید، برضد او نباشید بلکه به سود او کار کنید و مثل خودش باشید، ارشاد و راهنمایی و خیرخواهی کنید و با او با رفق و مدارا برخورد کنید» و چه زیبا سروده است شاعر حکیم:

دوست آن باشد که معایب دوست
همچو آینه روبه رو گوید
نه که چون شانه با هزار زبان
پشت سر رفته، موبه مو گوید

آینه‌سان بودن برای برادر دینی که در روایات متعددی از پیامبر و امام معصوم نقل شده است (۴)، رهنمودی برای برخورد صادقانه، دلسوزانه، وفاق‌آور، تکامل‌بخش، عیب‌زدا و سازنده با کسی است که در رفتار و زندگی‌اش، خلل، خطا و اشکالی مشاهده شود. اگر زن و شوهر با هم برخوردی صادقانه داشته باشند و آینه بودن یکدیگر را بپذیرند، کمتر شاهد بروز مناقشه، کدورت و کینه خواهند بود و اگر در سطح جامعه، افراد مختلف آینه سان و از روی خیرخواهی عیوب را به یکدیگر تذکر دهند، بی‌آن که آبروریزی و هتک حیثیت



و جنجال آفرینی و غوغا سالاری باشد، شاهد این همه صف بندی‌ها و تقابل‌های مخرب نخواهیم بود. وظیفه یک مؤمن آن است که نسبت به برادر دینی‌اش، آینه، راهنما و عیب‌پوش باشد و از نگاه همان برادر به قضایا بنگرد. این یک حق شرعی بر گردن هر مؤمن است. وقتی معلی بن خنیس با اصرار از امام صادق (علیه السلام) درخواست می‌کند که آن حضرت، حقوق واجب و لازم یک مسلمان بر گردن مسلمان را بیان کند، امام، هفت حق لازم و واجب را برمی‌شمارد که چهارمین شرط چنین است: «...أَنْ تَكُونَ عَيْنَهُ وَ ذَلِيلَهُ وَ مِرَاتَهُ وَ قَمِيصَهُ» (۵) آن است که نسبت به برادر مسلمانیت، چشم، راهنما، آینه و پیراهن باشی...» با چشم، همه دیدنی‌ها را می‌توان دید و چشم برادر بودن، یعنی از نگاه او نگریستن و چون او نظر کردن. آینه بودن نیز نشان دادن واقعیت‌ها را بی‌کم و کاست بیان می‌کند. پیراهن نیز عیب پوش انسان و ستار و آبروبخش اوست. سوژه آینه بودن، در ادبیات فارسی مورد توجه شاعران هم بوده است. «مولوی» در تاثیر مثبت و ایمن‌سازی این رابطه می‌گوید:

چون که مؤمن آینه مؤمن بود

روی او ز آلودگی ایمن بود

از «خیام» نیز درباره «واقع‌نمایی آینه» و این که از خود چیزی نمی‌گوید و هر چه راهست نشان می‌دهد، چنین می‌خوانیم:

ما آینه ایم، هر که در ما نگیرد

هر نیک و بدی که گوید، از خود گوید

«ناصر خسرو» نیز با اشاره به این بعد آینه می‌گوید:

آینه ام من، اگر تو زشتی، زشتم

و رتو نکویی، نکوست صورت و سالم

و این خصلت آینه است که زشت و بد را بد؛ و خوب را خوب نشان می‌دهد و به قول سعدی: «آینه کج، جمال ننماید راست». ناگفته نماند که «خصلت آینه» داشتن دل صاف و بی‌کینه است و تا چیزی را بد نبیند، بد نشان نمی‌دهد و تازه آن چه را هم که دیده است، به دل نمی‌گیرد و فراموش می‌کند. صفت کینه به دل نگرفتن و فراموش کردن بدی‌های دیگران نیز، سزاوار است که از

آینه، الگوی انسان شود. ادیبان به این نکته هم بی‌توجه نبوده‌اند. «نظامی گنجوی» می‌گوید:

آب صفت، هر چه پلیدی بشوی

آینه‌سان، هر چه ندیدی، مگوی

و «صائب» نیز چه زیبا سروده است:

صورت نیست سینه ما کینه کسی

آینه هر چه دید، فراموش می‌کند

نکته زیبای «مؤمن، آینه مؤمن است» اهل ذوق را برانگیخته است تا به صفات و ویژگی‌های آینه بنگرند و در مؤمنی هم که می‌خواهد آینه برادر مسلمان باشد، این خصلت‌ها را لازم بشمرند. از جمله به این مقایسه دقت کنید: آینه زشتی و زیبایی انسان را بدون سرو صدا نشان می‌دهد. مؤمن نیز باید عیوب برادر مؤمن خود را بدون جار و جنجال به او بگوید.

آینه، زشتی و زیبایی انسان را در حضورش می‌نماید، و به همان اندازه که هست، نشان می‌دهد، مؤمن نیز باید چنین باشد و زیبایی‌های برادر ایمانی خود را نیز باز گوید و مانند مگس تنها روی زخم‌ها ننشیند. آینه، هر اندازه زشتی و زیبایی را بهتر و روشن‌تر نشان دهد، ارزش بیشتری دارد، مؤمن نیز هر قدر نسبت به زشتی و زیبایی برادر مؤمن خود حساس‌تر باشد، ارزش افزون‌تری دارد. آینه، وقتی می‌تواند زشتی و زیبایی را به درستی نشان دهد که خودش پاک و بی‌غبار باشد. سخن و تذکر برادر مؤمن نیز وقتی اثرگذار است که بی‌غل و غش و صادقانه مطرح شود. وقتی انسان از آینه جدا شد، آینه زشتی و زیبایی او را از خود می‌زداید و تصویر آن را نگهداری نمی‌کند تا در هنگام اختلاف از آن بهره‌برداری کند. ◀



ما برای دیدن زشتی و زیبایی خود، همواره به سوی آینه می‌دویم، بنابراین برای فهم عیوب، کاستی‌ها و کمالات خود باید به برادر مؤمن مراجعه کنیم. آینه فقط ظاهر انسان را نشان می‌دهد. مؤمن نیز باید از تجسس و ارایه باطن برادر مؤمن خود پرهیز کند. آینه، هرچیز را بدون غرض و نظر نشان می‌دهد، برادر مؤمن هم لازم است در بازگویی زشتی و زیبایی، هدفی جز راهنمایی و ارشاد برادر مؤمن خود نداشته باشد.

آینه، هر اندازه بزرگ تر باشد، نقش بهتر و کامل‌تری را نشان می‌دهد. روح مؤمن نیز هر قدر بزرگ‌تر باشد، نقش بهتر و گسترده‌تری در راهنمایی برادر مؤمن خود خواهد داشت (۶). به هر حال، اگر شاگرد آینه باشیم، اگر رابطه ما با یکدیگر همچون آینه باشد، اگر تذکرات دلسوزانه دیگران را گامی برای اصلاح عیوب خویش قرار دهیم، اگر با آینه قهر نباشیم و به جای شکستن آینه، خود را و غرور خود را بشکنیم، زندگی‌های مان شفاف‌تر و چهره روح‌مان زیباتر خواهد شد. اگر به همان اندازه که وقتی کسی از خاک‌آلود بودن لباس یا سیاه شدن چهره یا پشت و رو بودن لباس و تا به تا بودن کفش‌مان ما را آگاه کند، سپاسگزار او می‌شویم، اگر ضعف‌های اخلاقی و خصلت‌های منفی و عیوب ما را هم به ما تذکر دهد، خوشحال شویم و از او تشکر کنیم، این از نشانه‌های بارز رشد فکری و فرهیختگی ماست. «چه عیب دارد که هم خودمان آینه باشیم، هم محیط خویش را «آینه‌کاری» کنیم؟ هرگاه به این مرحله از «رشد» برسد که «تذکر عیب» را به عنوان هدیه، از دوست خویش بپذیریم و ممنون باشیم «راه» را شناخته ایم. این همان «آشتی با آینه» است و چه کسی جز نادان، آینه را می‌شکند؟» (۷) و چه زیبا خواهد بود جامعه‌ای که همه، در برابر هم آینه‌ای زلال و بی‌غرض باشند و کینه‌ای در سینه، از آینه‌ها نداشته باشند!

پی‌نوشت‌ها:

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۲

۲- همان، ج ۷۴، ص ۴۱۴

۳- همان ج ۱۰، ص ۹۷

۴- از پیامبر اسلام: المؤمن مرآة المؤمن (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۸): المؤمن مرآة الاخیه المؤمن (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۳)

۵- همان، ج ۷۱، ص ۲۲۴ و ۲۳۸

۶- برگرفته و تلخیص شده از مقاله زشت و زیبا (نشریه «گاهنامه آینه»، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، دفتر دوم، ص ۳۸)

۷- از همدلی تا همراهی، ص ۷۴

سال بیست‌دوم
شماره سوم
پاییز ۱۳۹۰

بهروز
۴



به این موضوع امتیاز دهید (۱-۱۰۰)

کد این موضوع ۸۳۱

SMS ۳۰۰۰۷۲۷۳۰۱۰۰۰۱